

دکتر باقرپور کاشانی



ماجرای تولد امام حسین علیه السلام

هوالحکیم

ماجرای تولد امام حسین علیه السلام

متنی که می خوانم از کتاب «مدینه المعاجز» سید هاشم بحرانی هست که از سید رضی که از ابن عباس، این شخصیت بزرگوار، این روایت را نقل می کند.
در جلد دوم مدینه المعاجز صفحه ۱۱۰، بحث «فضائل و کرامات امام حسن و امام حسین علیهما السلام، کرامت و فضیلت هشتاد و یکم».
«سیدرضی از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده که:

«خداوند هنگام زایمان فاطمه زهرا علیها السلام به لعیا وحی کرد...»

لعیا یکی از بزرگترین حوریه‌ها و زنان بهشتی هست. حوریه بهشتی زنی هست که از اول برای بهشت خلق شده است.

«خدا هنگام زایمان فاطمه زهرا به لعیا این حوریه بهشتی وحی کرد: ای لعیا! به دار دنیا نازل شو و نزد دختر گرامی حبیب محمد مصطفی صلی الله علیه و آله برو و ایشان را دلگرم کن و به او هنگام حمل کمک کن».

پس ببینید این قدر حضرت زهرا علیها السلام جایگاه داشتند که البته فوق این حرف‌هاست مقام حضرت زهرا علیها السلام، ولی بالاخره تو همه این مطالب یک نکات معرفی هست. خدا یک زن بهشتی را می فرستد تا ایشان دلگرم شوند. وقتی که ایشان می خواستند

امام حسین علیه السلام را به دنیا بیاورند، یک سری حالات متفاوتی برای حضرت زهرا علیها السلام اتفاق افتاد که حالا قسمتی از آن در این حدیث هست. حالات خاصی بود! حالاتی بود که از ابتدایی که انعقاد نطفه شد تا اینکه وجود نازنین امام حسین علیه السلام به دنیا آمد، یک سری مصیبت‌ها، یک سری غم و اندوه فراوان نسبت به حضرت زهرا علیها السلام وارد شد. با زن‌های دیگر نسبت به طفلی که در شکم بود تفاوت داشتند.

«سپس خداوند تبارک و تعالی به رضوان...»

رضوان از فرشته‌هایی هست که مسؤل بهشت و از بزرگ‌ترین فرشته‌های الهی هست. «فرمود: ای رضوان! بهشت را به خاطر مولودی که از فاطمه زهرا علیها السلام دختر گرامی حبیب محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به دنیا خواهد آمد، تزئین کن.»

بهشت خودش مظهر تزئین هست! اینکه می‌گوید تزئین کن، بهشت خودش مظهر زیبایی هست، یعنی دوچندان! یعنی به صورت قبل ولو اینکه تزئین شده، متفاوت‌تر از قبل تزئین کن!

«آنگاه به جبرئیل امین علیه السلام وحی نمود که ای جبرئیل امین! با جمعی از فرشتگان برای تبریک گفتن به پیامبر به زمین بروید. ابن عباس می‌گوید هزارهزار فرشته بر پیامبر نازل شدند و به او تبریک گفتند. وقتی فرشتگان به آسمان چهارم رسیدند، به فرشته‌ای به نام صرصائیل که هفتاد هزار بال داشت...»

صرصائیل یک فرشته بزرگ بوده، مسؤلیتی داشته. این جناب صرصائیل، این فرشته‌ها، جبرئیل هم هست، نازل می‌شوند بر چه کسی؟ بر نبی مکرم اسلام؛ برای

چه کاری؟ برای اینکه تبریک بگویند ولادت آقا امام حسین علیه السلام، نوه و فرزند پیامبر اکرم. این‌ها برخورد می‌کنند به فرشته‌ای به نام صرصائیل. این صرصائیل چه کار کرده؟ این صرصائیل با خودش گفته که خدای تبارک و تعالی چگونه آنچه در دریاها و صحراها و شب و روز وجود دارد آگاه هست؟! ببینید این بنده خدا نگفته خدا آگاه نیست! گفته چطوری می‌شود؟! چگونه می‌شود؟! خیلی شاید برای شما پیش آمده باشد که بگویید خدا چطور همه چیز را می‌داند؟ او نگفته نمی‌داند، ما هم می‌گوییم می‌داند، اما چطوری هست؟ قابل درک نبوده! همین را مطرح کرده. ببینید شاید برای ما بگوییم اینکه چیز بدی نیست! نه! برای فرشته توی چیزهایی که تفکر راه ندارد، نباید اساساً ورود فکری کند! این می‌شود ترک اولی! حالا این جناب صرصائیل این فکر را می‌کند.

«خدای تبارک و تعالی چگونه آنچه در دریاها و صحراها و شب و روز دارد آگاه هست؟ در همان حال خدای تبارک و تعالی به او وحی می‌کند: به خاطر آنچه گفتی یا (آن چه فکر کردی) بال‌هایت را از تو می‌گیرم، و در همان لحظه خدای تبارک و تعالی بال‌هایش را می‌گیرد».

یعنی توبیخ می‌شود! یک امکاناتی را از او می‌گیرد!

«ابن عباس می‌گوید در آن روز لعیا (حورالعین) به بالین فاطمه زهرا آمد به ایشان عرض کرد: ای دختر گرامی پیامبر بزرگ اسلام و همسر گرامی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام! حال شما چطور است؟ فاطمه زهرا خجالت کشید...»

ببینید این نکته‌ای هست. این لعیا چشمش را باز کرده دیده تو بهشت هست! ببینید اینکه آدم چیزی ندارد خجالت نمی‌کشد، یکی مثلاً تو یک خانواده‌ای هست از اول خوشی دیده، می‌گوید الان این با خودش چه فکری می‌کند! آدم گاهی وقت‌ها خجالتش از این جهت هست! کسی که هم‌نوع خودش بیاید، هم‌طراز خودش از لحاظ مالی بیاید، آدم خجالت نمی‌کشد! پایین‌تر از خودش بیاید خجالت نمی‌کشد! چه وقت خجالت می‌کشد؟ وقتی خجالت می‌کشد که یک نفری باشد که فرض کنید ماشین بی‌ام و سوار شود حالا می‌گوید که ببخشید خانم می‌شود تو ماشین پراید ما سوار شوید؟ طرف می‌گوید بله می‌شینم من دوست هم دارم به تو علاقه دارم، ولی این خودش خجالت می‌کشد که این همیشه تویی ام و نشسته حالا ما تو پراید نشستیم! به خاطر آن هست. چون بعضی وقت‌ها می‌گویند این‌جا حضرت زهرا علیها السلام برای چه خجالت کشید؟! مگر مال دنیا محوریت دارد؟! نه! به خاطر اینکه جناب لعیا چشمش را باز کرده اصلاً تو بهشت خلق شده! ساده‌زیستی ندیده! این همه بدون امکانات بودن را ندیده! حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از این جهت خجالت کشید.

«زیرا هیچ فرشی نداشت. در آن هنگام یک حورالعین در حالی که فرشی در دست داشت از فردوس اعلیٰ نازل شد و فرش را پهن کرد و لعیا بر او نشست. در همان حال فاطمه زهرا فرمود: فرزند خود را در سوم شعبان به دنیا خواهم آورد؛ و فاطمه زهرا فرزند خودش را در سوم شعبان به دنیا آورد. آن‌گاه لعیا بلند شد و امام حسین علیه السلام را بوسید.

ناف ایشان را برید و ایشان را با پارچه‌های بهشتی خشک کرد و صورت، چشمان و زیر گلویش را بوسید و ایشان را به مادرش داد و جبرئیل امین نیز به همراه آن فرشتگان به رسول خدا کمک کردند و هفت روز طول کشید. وقتی روز هفتم رسید، جبرئیل امین به رسول خدا عرض کرد: یا رسول الله! آیا فرزند گران قدر خودت را نزد ما می‌آوری تا آن را از نزدیک ببینیم؟ راوی می‌گوید پیامبر نزد زهرا علیها السلام رفت و امام حسین علیه السلام را که با پارچه زرد بهشتی پیچیده شده بود نزد جبرئیل امین آوردند. وقتی روز هفتم فرا رسید، جبرئیل امین به رسول خدا عرض کرد یا رسول الله! آیا فرزند گرانقدر نزد ما می‌آوری تا او را از نزدیک ببینیم؟ جبرئیل امین ایشان را بغل کردند و آب دهان مبارکشان را در دهن آن نوزاد انداختند و پیشانی او را بوسیدند و فرمودند: خدا به تو و پدر و مادرت و فرزندت برکت دهد ای کشته‌شده در کربلا».

این اولین عبارتی هست که بعد از ولادت وجود نازنین امام حسین علیه السلام از دهان جبرئیل، این برادر روحانی نبی مکرم اسلام صادر می‌شود.

«سپس جبرئیل شروع می‌کند به گریه کردن. رسول خدا نیز شروع کردند به گریه کردن. فرشتگان هم وقتی این حالت را می‌بینند شروع می‌کنند به گریه کردن. جبرئیل امین عرض کرد یا رسول الله! سلام مرا به فاطمه برسان و به ایشان بفرما که نام این نوزاد را حسین بگذار. خدای تبارک و تعالی نام او را حسین گذاشته است. چون در این زمان نیکوتر و زیباتر از ایشان نیست»

زیرا از حُسن گرفته می‌شود!

«رسول خدا فرمودند: ای جبرئیل! به من تبریک و تهنیت می‌گویی در حالی که گریه می‌کنی؟»

حالا این بچه را گرفته، تبریک می‌گویند گریه هم می‌کند!

«جبرئیل عرض کرد: خدا در مورد مولودی که به دنیا آمده به تو صبر دهد. رسول خدا به جبرئیل فرمود: ای جبرئیل! چه کسی ایشان را به شهادت می‌رساند؟ جبرئیل عرض کرد: گروهی از امت شما که شفاعت تو را می‌خواهند او را به شهادت می‌رسانند. رسول خدا فرمود: ذلیل و نابود شود امتی که فرزند دختر گرامی‌ام را به شهادت برساند. جبرئیل عرض کرد: به امر خدا نابود می‌گردد و در عذاب الهی خواهد بود.»

کسی که امام حسین علیه السلام را به شهادت برساند، یعنی حتی توفیق توبه هم به او نمی‌دهند!

غزالی، دانشمند بزرگ عامه می‌گوید یزید را لعن نکنید! چرا؟ می‌گوید چون توبه کرده! در صورتی که در زیارت عاشورا که یک حدیث قدسی هست، لعن بر این می‌کند! اگر توبه کرده بود لعن نمی‌کرد! بعد هم کسی که به این خبث می‌رسد که این کار را می‌کند، اصلاً دیگر این رانده‌شده هست! بر نمی‌گردد! خبثی هست که امام حسین علیه السلام را به شهادت می‌رساند!

این عبارت را ببینید:

«جبرئیل گفت: به امر خدا نابود می شود».

چه کسی؟ کسی که امام حسین علیه السلام را به شهادت برساند! یعنی یزید و آنهایی که چنین کاری را کردند.

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد فاطمه برگشت و به فاطمه زهرا تبریک گفتند در حالی که گریان بودند. فاطمه زهرا به ایشان عرض کرد: ای جد گرامی ام! به من تبریک می گویی در حالی که اشک از چشمانت سرازیر است؟ رسول خدا فرمودند: بله ای دخترم! خدا در مورد این فرزند گرامی ات به تو صبر و اجر بدهد. در همان حال حضرت زهرا ناله ای کرد و شروع کرد به گریه کردن. لعیا نیز با فاطمه گریه کرد. سپس فاطمه زهرا عرض کرد: ای پدر جان! آیا فرزند گرامی ام چشمم و پاره جگرم به شهادت می رسد؟ رسول خدا فرمود: بله فرزندم! گروهی از امتم که شفاعتم را می خواهند ایشان را به شهادت می رسانند. عرض کرد: پدر جان! از جبرئیل امین بپرس که فرزندم در کجا به شهادت می رسد؟ فرمود: او در کربلا بدون یار و یاور به شهادت خواهد رسید. لعنت خدا، فرشتگان، پیامبران، صالحان و مردم بر دشمنان او باد. آن گاه فرمود: او به شهادت نمی رسد تا وقتی که از صلب مبارکش فرزندی تابناک خارج شود».

یعنی حضرت زین العابدین علیه السلام. این جا بحث حجت را مطرح می کنند. حجت به شهادت نمی رسد الا اینکه حجتی از صلبش خارج شود!

«یاران و دوست‌داران ایشان وارد بهشت و دشمنان ایشان وارد جهنم خواهند شد».

یعنی امام حسین علیه السلام یک میزان هست. کسی که امام حسین علیه السلام را دوست داشته باشد این بهشتی هست، کسی که دشمن امام حسین علیه السلام باشد این دوزخی هست، که البته قاصر هم نباشد مقصر باشد. بعد فرمودند:

«و قائم ما اهل البیت از نسل ایشان هست که با حضرت عیسی علیه السلام خارج می‌شود و انتقام ما را از دشمنان مان خواهد گرفت».

این ندایی هست که وقت ولادت وجود نازنین امام حسین علیه السلام در ارتباط با ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الموعود بیان شده. راوی می‌گوید:

«جبرئیل امین به همراه فرشتگان به آسمان رفتند. در راه با صرصائیل...»

که داستانش را ذکر کردیم؛ این ترک اولی می‌کند، خدا بال‌هایش را می‌گیرد جریمه و توبیخش می‌کند.

«در راه با صرصائیل برخورد کردند. صرصائیل با فرشته‌ها نرفته در زمین نمی‌دانسته چه خبر است. با تعجب سؤال می‌کند: ای جبرئیل امین! آیا قیامت برپا شده؟ جبرئیل گفت چرا این سؤال را می‌کنی؟ عرض کرد: وقتی دیدم با این همه فرشته به زمین نازل شده بودید، گفتم شاید قیامت برپا شده باشد. جبرئیل گفت: ما از طرف خدای تبارک و تعالی برای تبریک گفتن به پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده بودیم. صرصائیل گفت: مرا نزد پیامبر ببر تا از ایشان شفاعت جویم. شاید خدای تبارک

و تعالی از غفلتم بگذرد و مرا به مقام قبلی خود بازگرداند. آن گاه جبرئیل امین او را روی بال‌های خودش نشانید و نزد رسول خدا برد. رسول خدا نیز دست مبارک آن بزرگوار را از قن‌داق درآوردند و فرمودند: بارالها! به حق این طفل مبارک از غفلت این فرشته در گذر».

بینید دست امام حسین علیه السلام چنین چیزی هست که وقتی پیامبر به این قسم می‌دهد، خداوند این صرصائیل را می‌آمرزد!

«در همان حال از زیر عرش ندا آمد: ای حبیبم! دعای تو مستجاب شد. به راستی که ما دوست‌دار تو هستیم و دعای تو را بر نمی‌گردانیم. راوی می‌گوید به خدا قسم! صرصائیل بین فرشته‌ها افتخار می‌کرد و می‌گفت به راستی که من آزادشده‌ام امام حسینم و لعیا به حورالعین‌ها می‌گفت به راستی که من قابله فاطمه زهرا هستم و امام حسین را به دنیا آوردم! جانم فدای کسی که هیچ‌کس در دنیا مانند او نیست».

در مورد امام حسین علیه السلام، وضع حمل‌شان، زمانش متفاوت بوده که خودش یک بحثی دارد. یادم هست این را حدود بیست سال پیش بحث کردم که زمان ولادت امام حسین علیه السلام به چه صورت هست و روایاتش هست. وقتی حضرت زهرا علیها السلام حمل داشتند به وجود امام حسین علیه السلام، در روایات آمده که حضرت زهرا علیها السلام خیلی تشنه می‌شد! بعداً دلش را می‌گویند که اثرات این هست که این فرزندت لب تشنه به شهادت می‌رسد! یک وضعیت خاصی بوده!

این عبارت را در ارتباط با امام حسین علیه السلام خواندیم، چون بالاخره در ارتباط با سوم شعبان و ولادت وجود نازنین ابی عبدالله علیه السلام هستیم، لازم دانستم این را مطرح بکنم.

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ